

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
دانشکده دندانپزشکی

**پایان نامه:**  
**جهت اخذ دکترای دندانپزشکی**

**عنوان:**  
**استانداردهای زیبایی صورت**  
**(بافت نرم)**

به راهنمایی:  
جناب آقای دکتر باربد ضمیری

نگارش:  
مهدی ملاکی

فرداد ۸۱

۱۳۸۷ / ۷ / ۲۸

۹۹۳۴۵



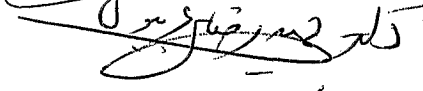


# ارزیابی پایان نامه

پایان نامه شماره .....۷۰۵۹..... تحت عنوان استانداردهای زیبایی صورت  
(بافت نرم) تهیه شده توسط مهدی ملاکی در تاریخ ۲۰۲۰/۰۳/۰۸... در کمیته بررسی  
پایان نامه مطرح و با درجه / نمره ۱۰۰/۰۹..... به تصویب رسید.

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر باربد ضمیری

نام و نام خانوادگی و امضاء اعضای کمیته بررسی

- ۱- 
- ۲- 
- ۳- 
- ۴- 
- ۵- 

## **تقدیم:**

به آن وجود عزیز که همه زندگی اش برایم  
درس زندگی است.

پدرم

و به آن عزیزترینم که الهه گذشت و ایثار  
است.

مادرم

## **با تشکر و سپاس از:**

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ضمیری که با  
دقت نظر و همفکری استادانه اشان ما را در تهیه این پایان نامه  
یاری و مساعدت فرمودند.

و سپاس فراوان نثار دوستان صمیمی آقایان غریبی،  
عابدی، عمرانی و مهندس ابراهیمی که ما را در این پژوهش  
یاری و تشویق نمودند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	بخش اول - مفهوم زیبایی
۸	۱- بررسی تاریخی مفهوم Beauty و Ugliness
۱۱	۲- مفهوم Beauty در دنیای جدید
۱۳	۳- محدودیت‌های درمانهای زیبایی
۱۷	۴- هارمونی صورتی
۲۰	۵- اهمیت هارمونی صورتی
۲۴	بخش دوم: اصول قضاوت هنری در زیبایی
۲۵	۱- بررسی های اولیه
۳۰	۲- قضاوت زیبایی
۳۱	۳- مشاهدات اولیه
۳۱۲	۴- Terms of analysis
۳۴	۵- درس اول: Masses and forms
۳۵	۶- درس دوم: proportion
۴۰	۷- درس سوم: (شکل‌ها) کانتورها، سایه‌ها و Highlights
۴۵	۸- درس چهارم: بررسی قسمت‌های مختلف صورتی براساس حجم، شکل، کانتور، سایه‌ها و High light
۴۵	-: پیشانی
۴۶	-: ابروها
۴۷	-: چشم‌ها
۴۹	-: بینی

صفحه	عنوان
۵۰	- لبها
۵۰	- گوش
۵۱	- گونه‌ها و استخوانهای گونه
۵۲	- چانه
۵۲	۹- نتیجه‌گیری
۵۴	بخش سوم: قوانین هارمونی صورت - هارمونی پروفایل
۵۴	۱- پیش فرضهای قوانین هارمونی صورتی
۵۵	۲- درک قوانین هارمونی صورتی
۵۷	۳- کاربرد قوانین هارمونی صورتی
۵۹	۴- نقاط و خطوط رفرنس موجود در آنالیز پروفایل صورتی
۶۳	۵- خط رفرنس individual جدید
۶۴	- خطوط و نقاط رفرنس جدید
۷۱	۶- استانداردها و خطوط راهنمای موجود برای هارمونی صورتی vertical
۷۴	۸- استاندارد و خطوط راهنمای موجود برای هارمونی صورتی sagittal
۸۴	۸- قوانین هارمونی پروفایل از بعد vertical
۸۷	- شروط اولیه
۸۸	- قانون طلایی پروفایل
۸۹	- استانداردهای استخراج شده از قانون طلایی پروفایل
۹۰	۹- به کار بردن استانداردهای نسبی
۹۱	- The maxillary nasal ration
۹۳	- The mandibular – nasal ratio representing the short face boundary on the value of the MandH
۹۴	- The mandibular – nasal ratio representing the long face boundary on the value of the MandH

صفحه

عنوان

۹۵	- The mandibular – nasal ratio representing the neutral face boundary on the value of the MandH
۹۵	۱۰- محدوده هارمونی
۹۶	۱۱- ارتفاع عمیق‌ترین نقطه Labiomenal fold
۹۷	۱۲- موقعیت Stomion
۹۹	۱۳- قوانین پروفایل صورتی از بعد Sagittal
۱۰۳	۱۴- محدوده تغییرات Orofacial inclines
۱۰۷	۱۵- روابط بین Orofacial inclines
۱۰۹	۱۶- بحث کلی
۱۱۱	۱۷- وحدت و یکپارچگی
۱۱۳	۱۸- کانتورهای Orofacial
۱۱۵	۱۹- The nasofacial and columella inclines
۱۱۷	۲۰- پروفایل‌های Characteristic
۱۱۸	۲۱- کانتور بینی
۱۱۹	۲۲- Facial types
۱۱۹	Vertical facial type -
۱۲۵	Sagittal facial type -
۱۳۴	بخش چهارم: آنالیز صورت از نمای frontal
۱۳۴	۱- خصوصیات عمومی صورت
۱۳۷	۲- Upper third face
۱۳۸	۳- middle third face
۱۳۹	- چشم و ابرو
۱۴۸	- بینی
۱۶۴	- گوش



**صفحه**

**عنوان**

۱۶۷

-: گونه

۱۶۹

۴- lower third face

۱۷۲

۵- نسبت طلایی در نمای Frontal

۱۷۷

**بخش پنجم: بحث و نتیجه‌گیری**

ضمیمه: روش تهیه عکسهای مناسب از بیمار

Reference

Abstract

## چکیده:

تحقیق و تجزیه کلینیکی به ما می‌آموزد که ارتودنسی و جراحی ارتوگناتیک همیشه برای بیمارانی که در پی بهبود زیبایی صورت بوده‌اند نتایج مطلوب و رضایتبخش در پی نداشته است. البته گاهی اوقات استانداردهایی هم اعمال شده است منتهی بدون در نظر گرفتن خصوصیات فردی.

از طرفی، زشتی و زیبایی صورت از ابتدای تاریخ مورد بحث واقع شده است. بارها و بارها انسان سعی کرده است تا زیبایی صورتی را اندازه‌گیری کند و آن را به صورت فرمول ارائه دهد. از آنجا که Beauty , attraction مادی و قابل حس نمی‌باشند محاسبه مقادیر نرمال قابل قبول آنها نیز مشکل است. پر واضح است که Beauty رابطه نزدیکی با Harmony دارد که در عوض قابلیت ترجمه به قسمت‌های قابل اندازه‌گیری و اشکال متناسب را دارد. پس Harmony را می‌توان محاسبه کرد و غیبت آنرا نشان داد گرچه که کاربرد آن بسیار مشکل می‌باشد چون تحت تأثیر فاکتورهای ذهنی نیز می‌باشد.

تمایل برای تغییر پروفایل‌های آزاردهنده مدتهاست که وجود داشته است اما وسایل مورد نیاز جهت تحقیق آن در دست نبوده است. در سال 1893، Calvin S. Case - ارتودنتست مشهور آمریکایی - مقاله‌ای را تحت عنوان «تصحیح زیبایی کانتورهای صورتی» در کنگره دندانپزشکی Columbia ارائه می‌دهد. وی را شاید بتوان اولین کسی دانست که چنین مبحثی را وارد حرفه دندانپزشکی کرده است.

پیشرفت در جراحی maxillo Facial و ارتودنس و بخصوص در جراحی Orthognatic منجر به مطرح شدن تعداد زیادی سؤالاتی شده است که به تصحیح کانتورهای صورتی مرتبط می‌باشند. در طی قرون شانزده و هفده وقتی که پیشروان جراحی اسکلت صورتی - Tessier و Obwegeser - نظریات و تکنیک‌ها خود را در اختیار عموم قرار دادند نیاز به آنالیز صورتی بیشتر آشکار گردید.

برای قرون متمادی، هنرمندان و دانشمندان در پی یافتن قوانینی برای هارمونی صورتی بوده‌اند که قابل اعمال هم در نمای frontal و هم در نمای Lateral باشد. در این راستا، نسبت‌های عمودی توجه بیشتری را به خود جلب کرد. ساده بودن این نسبت‌ها باعث استفاده فراگیرتر از آنها می‌شد. از طرفی این نسبت‌ها جنبه کلی داشتند و انعطاف‌پذیری لازم برای استفاده individual نداشتند. قوانین ارائه شده برای نسبت‌های Sagittal به طور کلی مبهم و غیرقابل اعمال می‌باشند. قوانین نسبت‌های بینابینی نیز به اندازه کافی روشن نمی‌باشد.

آنچه در این پایان‌نامه در پی می‌آید بررسی تاریخی تلاش‌های انجام شده برای ارائه استانداردهای زیبایی صورت می‌باشد. بدین منظور، مطالعه از بررسی اسطوره‌های باستان آغاز می‌گردد. در طی این مرور تاریخی مفاهیم زیبایی برای مردم هر عصر روشن می‌گردد و به رابطه هنر و دانش زیباسازی صورت اشاره می‌شود. نقاط اشتراک و افتراق یک هنرمند و جراح ذکر می‌شود و بر نقاط قوت یک جراح هنرمند تأکید می‌شود.

بدین ترتیب به بهترین و عملی‌ترین آنالیزهای صورتی موجود می‌رسیم و این قسمت با جزئیات بیشتر بیان می‌گردد. گردآورنده این پایان‌نامه معتقد است که استانداردهای ارائه شده در این مبحث می‌تواند راهنمای ارتودنست‌ها و جراحان فک و صورت در برگرداندن هارمونی از دست رفته صورتی باشد و از طرفی نقص آنالیزهای سفالومتری در معرفی یک چهره متناسب صورتی که برای خود بیمار و اطرافیان قابل درک باشد را مرتفع سازد.

## مقدمه:

در حال حاضر، استانداردهای عملی عمومی که به عنوان راهنما برای رسیدن به تناسبهای صورتی قابل قبول در درمان بیماران Dento facial Deformity به کار رود وجود ندارد. جراحان فک و صورت، ارتودنتیست‌ها و دیگر متخصصان در حقیقت خطوط راهنمای کمی برای استانداردهای زیبایی صورت در اختیار دارند. تاکنون، تصحیحات به طور کلی بر اساس یافته‌های سفالومتری و حفظ اکلوزن مناسب بین قوس‌های دندانی بالا و پایین انجام می‌شده است. در بسیاری از بیماران، نتایج درمان در تغییر تناسب‌های صورتی تحت عنوان بهبود بخشی تلقی شده است. اما، داده‌های سفالومتریک استاندارد و استانداردهای اکلوزن اغلب به اشتباه به عنوان تناسب‌های قابل قبول صورتی پذیرفته شده‌اند.

(Burstone , 1958; Barns and Bijlstra ,1979)

مشکل خطوط راهنمای موجود برای تناسب صورت آن است که جنبه عمومی ندارند. آنهایی که مربوط به فواصل عمودی می‌باشند و ریشه در رنسانس دارند (۱) بسیار سخت و انعطاف‌ناپذیرند در صورتی که در داده‌های Sagital درجات مختلفی از تغییرات به چشم می‌خورد. این مورد اخیر بیشتر به اختلاف عقیده‌ها در مورد پروفایل صورت برمی‌گردد تا انعطاف‌پذیری خطوط راهنما.

سردرگمی در درک زیبایی صورت سالهاست که وجود دارد. استفاده نامشخص از واژه‌های attractiveness, beauty و Harmony از عوارض این سردرگمی است.

Peck and Peck (1970) یک مرور تاریخی بسیار زیبا بر آنچه ما آن را میراث زیبایی می‌نامیم تهیه می‌کنند. آنها خصوصیات صورت ایده‌آل را در پادشاهان مصر باستان (2600-200 BC) و به خصوص پروفایل ملکه Nefertiti (1350 BC) که هنوز به عنوان یک مثال کلاسیک از زیبایی می‌باشد را تشریح می‌کنند. آنها مطالعه خود را با بحث در مورد مجسمه‌های یونان باستان ادامه می‌دهند. Edward H. Angle، بنیان‌گذار ارتودنسی - به نقل از Apollo Belvedere می‌گوید که: «هر جزئی از صورت با دیگر اجزاء آن در توازن (Balance) می‌باشد و همه خطوط صورت بی‌تناسب خواهند بود اگر هرگونه نقص یا مال اکلوژنی وجود داشته باشد». Peck and Peck همچنین خاطر نشان می‌کنند که مجسمه‌های رومی بیشتر به واقعیت نزدیک بودند چرا که نقایص را هم بیان می‌کردند اما در عوض مجسمه‌های خدایگونه یونانی اینچنین نبودند. (۲)

دوره Midle age گذشت. زیبایی ظاهری جای خود را به زیبایی ذاتی می‌داد. Peck and Peck احساس کردند که با صورتهایی با ظاهر پهن‌تر در این دوره مواجه‌اند. این دیدگاه باعث می‌شد که ظاهر بسیار ساده‌تر باشد. تنها کافی است برای مقایسه، نقاشی‌های Bosch و Grunewald را بررسی کرد.

در دوره رنسانس بازگشت به ارزشهای واقعی‌نگر زیبایی نظر Peck and Peck را به خود جلب می‌کند. این امر با ظهور Michelangelo به عنوان مهمترین محرک این پدیده و با تمرکز روی نمای صورتی در کارهای Leonardo da Vinci و Albrech. T. Durer اهمیت بیشتری می‌یابد. (۲)

بنابه گفته Peck and Peck (1865), Woolnoth اولین تصویر بعد از رنسانس بود که زیبایی صورت را بررسی می‌کرد. Woolnoth از بین نماهای پروفایل Convex و Concave و Straight نمای Straight را به عنوان زیباترین پروفایل معرفی کرد. افرادی که پروفایل Concave دارند زودتر از افراد با پروفایل Convex پیر به نظر می‌رسند. در صورتی که پروفایل Convex همیشه مقداری جوانتر از سن خود به نظر می‌آید. (۲)

این نویسنده‌ها مرور تاریخی خود را با نظریه خود درباره پروفایل صورتی که بر اساس میانگین بدست آمده از داده‌های سفالومتری تعداد زیادی از ملکه‌های زیبایی بود به نتیجه رساندند. روش مشابهی بوسیله Riedel (1957) استفاده شد و هر دو مطالعه تمایل به استفاده از یک میانگین را در بحث زیبایی صورت بیان کردند. (۳)

اهمیت زیبایی صورت در جامعه ما بوسیله وجود صنایع بزرگ Cosmetic و تعداد بی‌شمار سالن‌های زیبایی و متخصصان زیبایی به اثبات می‌رسد. این صنعت بر تقاضاهای موجود مبنی بر پوشاندن و بهبود دادن جنبه‌های خاص صورتی و درخواست یک ظاهر صورتی قابل قبول بنا گذاشته شده است.

آیا متخصصان صورت و دهان با علم و تجربه‌شان از هنرمندان حرفه‌ای و یا نظریه عموم برای ارزیابی نسبت‌های صورتی سزاوارترند؟ آیا آنها انگیزه بهتری دارند؟ بنا به گفته Spradley et al (1981) این امر بستگی به موردش دارد. از طرف دیگر تحقیقات Burstone (1958), Vander Linden (1971), Cox , Lines et al

(1978) و Taheri (1979) تفاوتی را بین عقیده این متخصصان و دیگر افراد نشان نمی‌دهد.

Iliffe (1960) و Udry (1965) در تحقیقات خود برای مشخص نمودن ارجحیت فرم صورتی، از افراد مختلف برای انتخاب فرم‌هایی از صورت بر اساس تلقی‌شان از زیبایی سؤال کردند. یک اشتراک نظر قوی بین این افراد وجود داشت که البته ریشه این توافق اندیشه مشخص نشد. این امر می‌تواند از مجموعه‌ی از رضایتمندی‌ها از ساختار صورت خوب و یا مجموعه‌ای از عدم رضایتمندی‌ها از یک صورت منفور، ریشه گرفته باشد.

بجاست این سؤال پرسیده شود که آیا نظریه زیبایی متخصصان دهان و صورت همان قدر که مورد نیاز آنهاست عملی هم هست؟ آیا ارزیابی آنها از اصول حرفه ایشان مجزاست؟ در تحقیقی که بوسیله Secord (1953) انجام شد مشخص گردید که تجربه‌های شغلی اغلب روی ارزیابی از صورت اثر می‌گذارد. گرچه Peck and Peck (1970) امکان چنین امری را حداقل در مورد ارتودنتیست‌ها انکار می‌کند. (۲)

لازم است پرسیده شود که چرا زیبایی صورت چنین اهمیت آشکاری دارد. تعداد زیادی از مقاله‌های در این مورد بوسیله Beardman (1989) به طور مختصر توضیح داده شده‌اند. وی نشان می‌دهد که شانس پیشرفت در کسب مهارت‌های اجتماعی به صورت قابل توجهی در افراد زیبا بیشتر از افراد نازیباست و شاید به این حرف بتوان رسید که: «زیبایی خوب و زشتی بد است».



این نظرگاه در مورد زیبایی باعث بوجود آمدن و ظهور عده‌ای بنام Physiognomistها در قرون هفده و هجده و اوائل نوزده شد. Lavator، دین‌شناس سویسی بر این نظریه صحه می‌گذارد. همان‌گونه که Lombroso، تبارشناس ایتالیایی آن را تأیید می‌کند. بدنبال مطالعه خصوصیات صورتی احساس کردند که می‌توانند به برداشتی از درون و شخصیت افراد و خصوصیت بیولوژیکی آنها برسند. وجود شیارها و چاله‌های متعدد صورتی شخصیت و مزاج فرد را مشخص می‌کرد. جلوزدگی لبها به هواهای حیوانی ربط داده می‌شد. هرچه لبها برآمده‌تر و کوتاهتر بودند فرد وحشی‌تر تلقی می‌شد. در چشم یک Physiognomist اولیه، این خصوصیات رفتاری کریه بودند و صورتهای مربوطه را نفرت‌انگیز جلوه می‌دادند (۴)

Caunt، ارتودنتیست اسپانیایی، (1989) صورتهای چهار نفر از بهترین مدل‌های معرفی شده بوسیله مجلات را مورد بررسی قرار داد و خاطرنشان کرد که «بهتر است این صورتهای را مورد بررسی قرار دهیم چرا که دربرگیرنده استانداردهایی است که امروزه مقبولیت عام دارند». مطالعه Caunt خصوصیات زیر را برای توضیح ایده‌آل در زیبایی صورت ارائه می‌دهد: برجستگی اندک دهان در پروفایل، نمای واضح کلی از ساختار استخوانی، نمایان بودن همیشگی دندانهای بالا، لب بالای کوتاه و یک لبخند اغوا کننده. به عبارت دیگر تصویر خوی حیوانی در این قرن کیفیت کاملاً متفاوتی می‌یابد. (۴)

متخصصان دهان و صورت مسئول تغییر ظاهر افراد هستند. مشکلات زیبایی صورتی به صورت، وسیعی با کمک گرفتن از متخصصان مجرب و آگاهی دادن به افراد، قابل پیش‌گیری هستند. بدین منظور، واجب است یک سری استانداردهای انعطاف‌پذیر برای افزودن بردانش متخصصان و آگاهی عامه بوجود آید.

در این قسمت سعی بر ارائه مجموعه‌ای از استانداردها، به صورت قانونهایی برای Facial Harmony شده است. این تصمیم به این خاطر گرفته شده است که نظریه Facial Harmony، در مقایسه با Facial beauty عملی‌تر است. این قوانین، به عنوان یک فرم پایه، بدون در نظر گرفتن زیباسازی مثل آرایش و فرم مو معرفی می‌شوند. به کار بستن این استانداردها، در عوض می‌تواند تسهیل‌کننده تصحیح انحراف تناسبهای صورتی باشد و متخصص را فرای از فکر کردن به خلق Beauty، به اندیشه تلاش برای برگرداندن Facial Harmony وامی‌دارد.

اما، هدف این (مبحث) ارائه یک سری از استانداردها برای Facial Harmony می‌باشد که هم قابل قبول و هم قابل استفاده باشد. این قوانین علاوه بر اینکه در کل باید ارزشمند باشند به طور شخصی نیز باید قابل اجرا باشند. چرا که تنها بدین طریق است که دسترسی به وحدت و یکپارچگی هر صورتی انجام‌پذیر می‌باشد.

**بخش اول**

**مفهوم زیبایی**

## مفهوم زیبایی

زیبایی‌ها همیشه مورد تمجید بوده‌اند. برای مثال در ادبیات و هنرهای تجسمی از ظهورشان تا به امروزه مهم است بدانیم که چه چیزی این حس علاقه و تمجید را تحریک می‌کند به خصوص در مورد زیبایی صورت. چه چیزی در زیر تمایل به Beauty و انزجار از Ugliness خوابیده است؟ چه کیفیت فیزیکی یا اخلاقی به افراد با چهره‌های گوناگون نسبت داده می‌شود؟ این سؤالها قطعاً تازه نمی‌باشند و جواب عاقلانه آنست که یک پیش‌فرض در ذهن همه هست که زیبایی خوب است و زشتی بد. به این پیش‌داوری دقت کنید. با اینکه هیچ‌گونه دلیلی برای آن ذکر نشده است، باقی ماندن چنین پیش‌داورانی هنوز جای توضیح دارد.

بسیاری از عقاید خرافه، ریشه در دیدگاه‌هایی دارند که روزی حقیقت پنداشته می‌شده‌اند. حدود ۲۰۰۰ سال پیش ترس از تندر و رعد و برق ریشه در عقیده به خشم جدایان داشته است. این عقیده امروزه غیر منطقی به شمار می‌آید و اگر ترسی وجود دارد بخاطر امکان منطقی برق‌گرفتگی بوسیله رعد و برق می‌باشد. برای یافتن اساس یک داوری خرافه، لازم است نظرگاه‌هایی که آنرا منطقی می‌دانند مورد بررسی قرار گیرند. در قضاوت منطقی فرض بر آنست که بر اساس تعبیر واقعیت یا مشاهده،